

## تعارضات مستقرّ روایی در بحارالأنوار

دکتر عبدالهادی فقهی زاده

(استادیار علوم قرآنی و حدیث دانشگاه تهران)

feghhizadeh48@yahoo.com

زهرا خرمی اجلالی

(دانس آموخته کارشناسی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران)

zejlali@yahoo.com

چکیده: حدیث از جهات گوناگون از جمله نقش آن در تبیین مقاصد قرآن و بیان جزئیات آن از موقعیت ممتازی برخوردار است. در عین حال، یکی از مسائل مرتبط با احادیث معصومان علیهم السلام تعارض دسنه‌ای از آنها یا دسته‌ای دیگر است، چه، به دلایل متعدّد، از جمله وقوع جعل و وضع، نقل به معنا، از میان رفتن قرائن حالی و مقامی، ضعف حافظه و کونااهی اندیشه برخی از راویان، وقوع تصحیف و تحریف، تقیه و پاره‌ای از دیگر عوامل عملاً روایات متعارضی به منابع روایی راه یافته‌اند. بر این اساس، یکی از جوانب اهتمام محدثان بزرگ در منابع روایی، برداختن به حلّ تعارض مستقرّ در روایات متعارض است؛ چه، در تعارض مستقرّ بر خلاف تعارض بدوی، نمی‌توان میان دلالت متعارضین جمع کرد.

محمّد باقر مجلسی نیز در بحارالأنوار در مواجهه با تعارضات مستقرّ، عمدتاً مبتنی بر روایات وارده از معصومان علیهم السلام، به شیوه‌های گوناگون عمل کرده است، به این ترتیب که در صورت تعادل ادله یکی از دو راه توقف یا تخییر را برگزیده است؛ هر چند ملاک‌های کاملاً منقّحی در انتخاب هر یک از این دو راه مطرح نکرده؛ در حوزه روایات فقهی بیشتر «تخییر» و در روایات اعتقادی عمده «توقف» را پیشنهاد کرده است؛ یعنی، حواسته یا ناخواسته، موضوع روایات متعارض، در انتخاب موضع وی در قبال آنها موثر افتاده است. مجلسی در

روایات غیرفقهی و غیراعتقادی براساس ملاک‌های محتوایی، از قبیل اختضاد به کتاب و سنت و شهرت روایی و ملاک‌های سندی، از جمله ضعف راویان و انگیزه‌های شخصی آنان به ترجیح یکی از طرفین تعارض پرداخته است. گو اینکه در موارد نادری که هیچ راهی برای جمع یا ترجیح نیاخته است، به رغم دأب خود، به ردّ منعارضین اقدام کرده است. با این همه، تقریباً در همه موارد، دقت مجلسی در برهمز از طرز روایات، قابل ملاحظه است و از همین رو، می‌کوشد راهی برای جمع دلالتی - با در حقیقت عدم پذیرش تعارض مستقر - بیابد؛ جز در موارد خاص که گریزی از قبول وقوع تعارض مستقر نداشته و در مواجهه با آنها نیز با احتیاط عمل کرده است.

کلید واژه‌ها: تعارض روایات، تعارض مستقر، توقف. تخییر و ردّ روایات.

### طرح مسئله

بنا به علل گوناگون، از جمله نقل به معنای روایات و وقوع جعل و تصحیف و تحریف در پاره‌ای از آنها، روایات متعارضی وارد مجامع روایی شده و یکی از دلایل عمده اختلاف آراء محدثان را پدید آورده است. این تعارضات بر دو نوع است: بدوی و مستقر. در تعارض بدوی، به روش‌های گوناگون امکان جمع و ایجاد سازگاری مفهومی میان متعارضین وجود دارد؛ حال آنکه در تعارض مستقر نمی‌توان تنافی میان مدلول اخبار متعارض را از میان برداشت و از این رو، باید در قبال آنها موضع دیگری اتخاذ کرد. گام اول در این مسیر، تعیین مصادیق تعارض مستقر و سپس تبیین چگونگی مواجهه آنان با آنهاست. بر این اساس، بررسی شیوه‌های حلّ تعارضات مستقر روایی در بحارالانوار اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چه علامه محمدباقر مجلسی به مثابه یکی از پرکارترین محدثان، به گمان گروهی از محققان، روایات را بی‌چون و چرا پذیرفته و به طرح و ردّ یا تخییر و توقف درباره روایات پرداخته است؛ حال آنکه او در مواجهه با روایات متعارض، علاوه بر حلّ تعارضات بدوی، به علاج تعارض‌های مستقر نیز اقدام کرده است؛ او در این میان، بر اساس مبانی روایی و منطبق با نگرش خاص خود، ساز و کار مشخصی در پیش گرفته و از این رهگذر، در موارد متعدّد به حلّ تعارضات مستقر اقدام کرده است؛ موضوعی که عملاً کمتر مورد توجه قرار گرفته و ما در این نوشتار بر آنیم که با جستجوی مورد پژوهانه در بحارالانوار، انواع روش‌های مورد نظر مولف آن را در حلّ تعارض‌های واقعی بشناسانیم و مصادیق روایی متعدّدی از این میان، عرضه کنیم.

### روش‌های حل تعارض مستقر روایی

چنان‌که اشاره کردیم هرگاه میان مدلول دو یا چند دلیل روایی، نوعی تضاد و نسافی وجود داشته باشد - هر چند با روش‌های معقول و مورد قبول عرف بتوان میان آنها جمع کرد - در حقیقت بین آنها تعارض به وجود آمده است، در عین حال، چنانچه تعارض میان ادله روایی از قبیل تناقض باشد؛ به طوری که نتوان با استناد به دلایل مقبول علما و عرف متشّرع سازگاری یدید آورد، «تعارض مستقر» ظهور کرده و هر گاه تعارض، ظاهری باشد و بتوان متکی به مستندات مورد پذیرش علما و عرف رایج میان آنان، میان مدلول آنها سازش ایجاد کرد، «تعارض بدوی / غیرمستقر» پدید آمده است. (انصاری ۱۴۱۹: ج ۴، ۱۱؛ هاشمی ۱۴۱۷: ج ۷، ۲۱۹)

به هر حال، بنابر برخی مستندات روایی معتبر<sup>۱</sup>؛ نمی‌توان تعارض واقعی را میان ادله روایی منقول از معصومان علیهم‌السلام پذیرفت. از سوی دیگر، روش‌ها و معیارهایی برای تعیین موضع صحیح در قبایل تعارضات واقعی از سوی ائمه علیهم‌السلام مطرح شده که کاربست آنها در هنگام ظهور تعارض مستقر در روایات، به حلّ مشکل مفهومی ظاهر در آنها می‌انجامد و مکلف از این رهگذر، از سردرگمی و حیرت نجات می‌یابد. این روش‌ها طبعاً متناسب با وضعیت روایاتی که تعارض موجود در آنها «مستقر» است متفاوت‌اند و به کارگیری هر یک از آنها نیز وابسته به نوع رابطه‌ای است که میان متعارضین وجود دارد. این دسته از روایات متعارض چندگونه‌اند:

۱. روایات متعارضی که از جهات گوناگون با هم برابرند و نسبت به هم ترجیحی ندارند: در این صورت دو راه وجود دارد: یکی تخییر و دیگری توقف. بر این اساس، مثلاً در روایت حسن بن جهم از امام رضا علیه‌السلام<sup>۲</sup> و محمد بن عبدالله حمیری از امام

۱. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «خلقنی الله تبارک و تعالی و اهل بیتی من نور واحد» - الحوزة القمی، ۲: ۲۲. برای آگاهی از روایات دیگر ما اس مضمون یک نعمانی ۱۴۲۲: ۹۵، ازنی [بی‌تا]: ج ۲، ۸۶ یا روایت امام رضا علیه‌السلام ما ابن عبارات که، «فلا تقلوا عننا خلاف القرآن فاننا ان تحدثنا حدثنا بموافقة القرآن و موافقة السنة، اما عن الله و من رسوله نحدث، ولا نقول قال فلان وفلان، فینتقض کلامنا، ان کلام آخرنا مثل کلام اولنا، و کلام اولنا مصادق لکلام آخرنا» (طوسی [بی‌تا]: ج ۲، ۴۹۰).

۲. وعن الحسن بن الجهم، عن الرضا علیه السلام قال قلت له: نحینا الأحادیث عنکم مختلفه، فقال. ما جائک عننا فقس علی کتاب الله عز وجل و أحادیثنا. فان کان شبه هما فهو منا، وإن لم یکن یشبههما فلیس منا، قلت: یحبنا الرحلان و کلامهما نفعه نحدثین مختلفین ولا یعلم أنیهما الحق قال: فإذا لم تعلم فموشع علیک بأیهما أخذت» - حسن بن جهم روایت سده که: به امام رضا (علیه‌السلام) عرض کردم

زمان ع در پاسخ به سوال راوی درباره شیوه برخورد با روایات متعارض، از تخییر سخن رفته است. چنان که در دسته دیگری از روایات به توقّف امر شده است. برای نمونه، در روایتی، امام صادق ع در پاسخ به سماعه بن مهران در مواجهه با دو حدیث متعارض فرموده است: «به هیچ کدام عمل مکنید تا امام خود را ملاقات کنید و حکم واقعی را از او برسید.» (الحر العاملی ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۸۸-۸۷)<sup>۲</sup>

گفتنی است با تأمل در اخبار توقّف می توان دریافت که این اخبار به زمان حضور معصومان ع اختصاص دارند؛ زیرا در همه آنها توقّف، مقید به دیدن امام معصوم است و بنابراین می توان گفت: ائمه ع در صورت تعادل روایات متعارض ائمه ع در حقیقت به تخییر امر کرده اند.

۲. روایات متعارضی که دسته ای از آنها از جهت یا جهاتی نسبت به دسته ای دیگر ترجیح دارند و از این رو، از نظر ارزش روایی، با احادیث متعارض دیگر هم سطح نیستند. در این صورت، طبعاً باید بر اساس ملاک های معتبر ترجیح روایات متعارض که در دسته ای از روایات ائمه ع نقل شده اند؛ به ترجیح یکی از متعارضین بر دیگری دست زد و از این رهگذر، تعارض موجود در آن دو را علاج کرد. روایات منقول در این

احادیثی از جانب شما به ما می رسد که با هم اختلاف دارند (تکلیف چیست؟) فرمود: احادیثی را که از جانب ما می رسد با کتاب خدا و احادیث (قطعی) ما بسنجید؛ اگر با آنها مشابه و موافق بود از ماست و اگر نه، از ما نیست. عرض کردم دو نفر موتق دو حدیثی را روایت می کنند که با هم اختلاف دارند، و ما نمی دانیم که کدام یک حق است؟ فرمود: در این صورت می توانی که هر یک از آن دو حدیث را اخذ کنی. (حر العاملی ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۸۷، ح ۴۰).

۱. «أحمد بن علی بن ابی طالب المطبرسی فی (الاحتجاج) فی جواب مکاتبة محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری إلى صاحب الزمان علیه السلام إلى أن قال علیه السلام فی الجواب عن ذلك حدیثان أما أحدهما فإذا انتقل من حالة إلى أخرى فعلیه التکبیر، وأما الآخر فإنه روی أنه إذا رفع رأسه من السجدة الثانية وكبّر ثم جلس تم قام فلیس علیه فی القيام بعد القعود تکبیر، وكذلك تشهد الأول یجری هذا المجری، وبأیهما أخذت من باب التسلیم کان صواباً: محمد بن عبدالله در ضمن مکاتبه ای با امام زمان ع پرسیده است: دو حدیث مختلف وارد شده که در یکی آمده است: در نماز در انتقال از حالتی به حالت دیگر تکبیر لازم است و در دیگری آمده بعد از تکبیر سجده دوم اگر بنشین و سپس بایستی، در این قیام بعد از نشستن تکبیر لازم نیست در مورد تشهد اول هم همین قاعده جاریست. (تکلیف چیست؟) امام ع فرمود: به هر کدام که بخواهی می توانی عمل کنی. (حر العاملی ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۸۷، برای آگاهی از موارد دیگر نک: نوری ۱۴۰۸: ج ۱۷، ۳۰۶ و ۳۰۷ و حر العاملی ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۸۸؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ۶۶).

۲. برای موارد دیگر نک: نوری ۱۴۰۸: ج ۱۷، ۳۰۵ و ۳۰۶؛ حر العاملی ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۸۶؛ مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲، ۱۸۸، ۱۸۹؛ حر العاملی ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۷۸ و ۸۰.

زمینه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ای که وجوه مختلف ترجیح را در کنار یکدیگر و با ترتیب خاصی ذکر کرده‌اند و دسته‌ای دیگر که صرفاً به بیان یکی از ملاکهای ترجیح حدیث پرداخته‌اند.<sup>۱</sup>

در روایات دسته اول ملاک‌های «صفات راوی، مخالفت با عامه، شهرت روایی، موافقت با احتیاط، موافقت با قرآن، مخالفت با حکام، قضات و مفتیان» به مثابه معیارها و ضابطه‌هایی برای ترجیح یکی از دو حدیث متعارض مطرح شده‌اند. مقبوله عمر بن حنظله، (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۲۰: نوری ۱۴۰۸: ج ۱۷، ۳۰۲ و ۳۰۳) مرفوعه زراره، (نوری ۱۴۰۸: ج ۱۷، ۳۰۴ و ۳۰۳) روایت تسبیح مفید در رساله العدد (نوری ۱۴۰۸: ج ۱۷، ۳۰۶) و روایت عبدالرحمن (حر العاملی ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۸۴ و ۸۵) نمونه‌هایی از این قبیل‌اند.

در دسته دوم که به بیان یکی از ملاک‌های ترجیح احادیث پرداخته‌اند، جدا جدا، از موافقت با کتاب و سنت قطعی، (نک: نوری ۱۴۰۸: ج ۱۷، ۳۰۴: مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۲۷ و ۲۴۳ و ۲۴۴: حر العاملی ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۸۰-۷۸ و ۸۷) مخالفت با عامه، (نک: مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۵۲: حر العاملی ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۸۶-۸۳) تأخر زمانی (حر العاملی ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۸۰-۷۷) و حمل متشابه بر محکم (نک: حر العاملی ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۸۲: مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲، ۱۸۵) سخن رفته است.

بر همین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که در مواجهه با انواع روایات متعارض، در وجه کلی وجود دارد:

۱. تعادل ادله: یعنی، فقدان یک یا چند مزیت و مرجح در یک طرف تعارض نسبت به طرف دیگر؛

۲. عدم تعادل ادله: یعنی، وجود یک یا چند مزیت و مرجح در یک طرف تعارض نسبت به طرف دیگر که در قبال هر کدام باید موضع خاصی اتخاذ کرد.

در هنگام تعادل ادله تعارض، سه راه وجود دارد: تخییر، توقّف و احتیاط. نظر مشهور در مذاهب اهل سنت قول به توقّف یا همان تساقط است. که بر اساس عقل یا ادله دیگر، مانند قول صحابی یا قیاس، بر آن استدلال شده است. (هاشمی ۱۳۷۵: ۴۸۳) حال آنکه میان علمای شیعه، مشهور عدم تساقط است. (کاظمی خراسانی ۱۴۰۹:

۱. این روایات، روی هم رفته، «احبار علاج» یا «اخار علاجیه» نامیده شده‌اند نک کاظمی خراسانی ۱۴۰۹. «کفایة الاصول»، ۴۵۳.

«فوائد الاصول» ۴۴۱؛ انصاری ۱۴۱۹: ج ۴، ۳۹) و به استناد احادیث متعدد - و به تعبیر شیخ انصاری متواتر (انصاری ۱۴۱۹: ج ۴، ۳۹) - نظر مشهور آنان تخییر است. (طوسی ۱۳۶۳: ج ۱، ۴؛ ابن شهید ثانی ۱۳۷۴: ۲۵؛ حیدری ۱۳۶۴: ۲۴۷؛ استرآبادی ۱۴۲۶: ۲۷۵)

در مقابل، هر گاه میان متعارضین، یکی از دو خبر، دارای مرجح باشد طبعاً تخییر، توقّف و احتیاط هیچ کدام معتبر نیست و باید به تعیین مرجح معتبر در یکی از طرفین تعارض پرداخت و به مقتضای آن عمل کرد. مرجحات خود، دو گونه اند: مرجحات منصوصه و مرجحات غیر منصوصه. مرجحات منصوصه، مرجحاتی هستند که در روایات به آنها تصریح یا اشاره شده است و مرجحات غیر منصوصه، مرجحاتی است که در روایات معصومان علیهم السلام وارد نشده اند بلکه علما، خود، آنها را مرجح دانسته اند؛ از قبیل: ترجیح به اعتبار سند، مانند: ترجیح مسند بر مرسل؛ ترجیح به اعتبار متن، مانند: ترجیح متن غیر مضطرب بر مضطرب و ترجیح مزید بر غیر مزید و در نهایت ترجیح به امور خارجی، مانند: ترجیح به موافقت با اجماع و عقل.<sup>۱</sup>

### علامه مجلسی و حل تعارض مستقر

گروهی از دانشمندان،<sup>۲</sup> گویی بر آنند که مجلسی در تدوین بحارالانوار به صحّت و سقم روایات توجهی نداشته و به نقد محتوایی آنها نپرداخته است و از این رو، او را در مقام حفظ میراث روایی از ضیاع و نابودی ملاحظه کرده اند که تمام روایات اعم از ضعیف، جعلی و صحیح را بدون توجه به مضمون آنها در بحارالانوار نقل کرده است؛ حال آنکه با تأمل در تألیفات مجلسی می توان دریافت که وی با کلیه علمی که مجتهدان بدان نیاز دارند از قبیل صرف و نحو، معانی، بیان، لغت، ریاضی، فلسفه، حکمت، تاریخ، تفسیر، حدیث، رجال، درایه و اصول فقه و کلام آشنایی داشته، بلکه در بیشتر آنها صاحب نظر

۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه نک. انصاری ۱۴۱۹: ج ۴، ۱۵۸ - ۸۰؛ ابن شهید ثانی ۱۳۷۴: ۲۵۵-۲۵۰؛ مظفر ۱۳۷۳: ج ۳، ۲۶۱-۲۵۶؛ مدیرشانه چی ۱۳۷۲ الف: ۱۹۵؛ مدیرشانه چی ۱۳۷۲ ب: ۱۴۳؛ معماری: ۱۳۸۴: ۱۶۶-۱۶۴؛ شهید ثانی: ۱۴۰۸: ۳۴۸-۳۴۹؛ کاظمی خراسانی ۱۴۰۹ «فوائد الاصول»: ۴۵۴-۴۵۰، حکیم ۱۴۰۸: ج ۲، ۵۹۰-۵۸۶.

۲. برای نمونه نک: مهریزی و ربانی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۷۳. به نقل از کشف الاسرار ص ۳۱۹، زنجانی، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۳۲؛ محله آینه پژوهش (مقاله «بحارالانوار» در دایرة المعارف تنبیح از احمد عابدی). خرداد و تیر ۱۳۷۳، ۲۶-۱۹؛ مهریزی و ربانی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۷۹ (مقاله «مجلسی و بحارالانوار» از سید جعفر شهیدی)

بوده است. او بر همین اساس، در بررسی روایات، دقت فراوانی از خود نشان داده و با تسلطی که به علوم شرعی، محتوای اخبار و سیاق کلام ائمه علیهم السلام دارد، بر بعضی از اخبار اعتماد نکرده و آنها را معتبر ندانسته است؛ مثلاً در مورد مصباح الشریعه بر آن است که اسلوب روایات آن با سایر کلمات ائمه علیهم السلام شبیه نیست و پس از بررسی سندی آن نتیجه می‌گیرد که بسیاری از مطالب آن از صوفیه است. (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۱، ۳۲) افزون بر آنکه مجلسی در موارد زیادی با ملاحظه تعارض میان ادله روایی، به حل تعارض پرداخته و خصوصاً در مواردی که تعارض روایات را از نوع مستقر انگاشته، از خود دقت‌های در خور نگرشی نشان داده است.

در این صورت، گاه ادله تعارض از هر جهت یکسانند و از این رو، نمی‌توان یکی از آن میان را بر دیگری ترجیح داد. گاه نیز ادله تعارض همسطح نیستند و یکی از آن دو، از جهتی بر طرف دیگر برتری دارد و بر این اساس، باید از این میان، یکی را بر دیگری ترجیح داد؛ به این ترتیب، چهار راهکار اصلی فراروی محدثان در مواجهه با تعارضات مستقر وجود دارد: ترجیح، تخییر، توقف و رد؛ به این معنا که در برخورد با متعارضین، وابسته به موقعیت آنها از حیث تعادل و عدم تعادل، یا باید به ترجیح یکی از آن دو پرداخت؛ یا محتاطانه یکی از آن دو را برگزید و به آن عمل کرد و دیگری را فرو نهاد؛ یا عملاً در موضع عدم انکار هیچ یک از طرفین تعارض، در قبال آنها توقف پیشه کرد و سرانجام یا به رد هر دو طرف تعارض اقدام کرد.

مجلسی هنگام مواجهه با تعارض مستقر در روایات از این روش‌ها استفاده کرده است؛ گویانکه گاه همزمان در عین حال که مثلاً یک دسته از روایات متعارض را به دلیلی بر طرف دیگر تعارض ترجیح داده، احتمالاتی را در جمع دلالتی آنها ارائه کرده است؛ یا وقتی روایاتی را رد کرده، در عین حال، احتمالاتی را در توجیه آنها آورده است؛ که این همه، نشانه احتیاط فراوان او در برخورد با روایات است. نکته دیگر عدم تسرع مجلسی در کنار گذاشتن روایات است؛ چنان‌که در نمونه‌های فراوانی از حل تعارض روایات در بحارالانوار، مجلسی فقط به رد و انکار موارد بسیار محدودی از روایات روی آورده است. او هر چند در راه‌های حل تعارض مستقر روش جدیدی را ابداع نکرده، اهمیت اقدام او در کنار پرداختن به حل تعارض مستقر، دقت‌های ارزنده وی در تشخیص راه‌های علاج و ورود به عرصه روایات غیر فقهی در مجموعه دراز دامن بحارالانوار است:

در ادامه، از روش‌های مواجهه مجلسی با تعارض مستقرّ روایات سخن خواهیم گفت و نمونه‌های عینی و در خور توجهی را که در هر شاخه، ارائه کرده، مطرح خواهیم کرد:

### ۱. ترجیح روایات

مجلسی در مواجهه با تعارض مستقرّ در بیشتر موارد، به وجود مرجّح در یکی از طرفین تعارض تصریح می‌کند. ولی در مواردی نیز - شاید به دلیل طولانی نشدن مباحث یا عدم تکرار آن چه قبلاً به آن اشاره کرده و دلایل دیگری از این قبیل - از بیان وجه ترجیح اجتناب می‌ورزد. برای نمونه، در ضمن برخی از روایات بحارالآوار، زمان زنده شدن مردگان در قیامت، هنگام نفخه دوم معرفی شده و در ضمن برخی روایات دیگر، هنگام نفخه اول. مجلسی ذیل روایتی که حشر اموات را در زمان صیحه اول ذکر کرده است می‌گوید:

«فی النفخة الأولى هنا ما يخالف ما سبق، والمعتمد الأخبار السابقة»، (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷، ۱۱۰) درباره نفخه اول - باید گفت که این روایت با روایات قبلی متعارض است، و آن چه قابل اعتماد ماست، روایات پیشین است؛ بدون آنکه دلیلی برای این ترجیح ارائه دهد.

از اینکه بگذریم مجلسی در ترجیح روایات عمدتاً با استناد به مرجّحات منصوصه به گزینش یکی از طرفین تعارض پرداخته است که یا به متن روایات برمی‌گردند یا به ویژگی‌های مربوط به سند آنها:

#### ۱.۱. مرجّحات متنی

بعضی از مرجّحات راجع به متن روایات عبارتند از: اعتضاد به کتاب، اعتضاد به سنت و شهرت روایی که مجلسی گاه در ترجیح روایات از آنها بهره برده است:

نمونه اول:

در پاره‌ای از روایات، درباره کیفیت تسبیح حضرت فاطمه (س) اختلاف به چشم می‌خورد. مجلسی ذیل این روایات پس از بیان نظریات فقها و نقد و بررسی اقوال آنان، روایات تقدیم تحمید بر تسبیح را به دلایل متعدد از جمله اعتضاد آنها به برخی روایات



که در تقدیم تحمید صراحت دارند، ترجیح داده است (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۸۲، ۳۴۰).  
نمونه دوم:

در برخی روایات از مسخ اصحاب سبت، از مسخ شدن آنها به خوک و در برخی دیگر از مسخ آنان به میمون یاد شده است. مجلسی روایات دسته دوم را به دلیل موافقت با قرآن بر روایات دسته اول - بدون اشاره به آیات مورد نظر خود - ترجیح داده؛ در عین آنکه به راه‌هایی در جمع آنان نیز اشاره کرده است (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۶۲، ۲۲۱)

نمونه سوم:

در روایاتی که درباره اولین مخلوق وارد شده‌اند اختلاف مفهومی وجود دارد؛ به این ترتیب که برخی اولین مخلوق را هوا، برخی آب، برخی آتش و برخی عقل و برخی نور انبیاء و ائمه علیهم‌السلام دانسته‌اند. مجلسی در مقام حلّ تعارض مزبور، اخباری را که نور انبیاء و ائمه علیهم‌السلام را نخستین مخلوق بر شمرده‌اند، نظر به وجود اخبار فراوان دیگر در تأیید آنها ترجیح داده؛ ضمن آنکه سایر اخبار متعارض را توجیه یا تأویل کرده است. چنان که ملاحظه می‌شود شهرت روایی یکی از طرفین تعارض موجب ترجیح آن بر طرف دیگر شده است. (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۵۴، ۳۰۹)

نمونه چهارم:

مجلسی در نقد اخبار معارض با خبر غدیر<sup>۲</sup> یکی از وجوه ترجیح را شهرت آن میان مخالفان و موافقان دانسته است. او در این زمینه معتقد است که: اختلاف فقط در تأویل و مفهوم خبر است؛ بدون آنکه در اصل خبر اختلافی در میان باشد؛ مخالفان نیز آن را نقل کرده و امت آن را پذیرفته‌اند. (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲۳، ۱۶۲)

۱. او در جای دیگری، صحت سند را دلیل ترجیح روایات تقدیم تحمید بر تسبیح معرفی کرده است: نک: ج ۸۲، ۳۳۸ - ۳۳۶.

۲. در عین حال باید توجه داشت که متن حدیث غدیر که مجلسی نیز در بحارالانوار ذکر کرده چنین است: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وأعن من أعانته، وانصر من نصره واخذل عدوه، وكن له ولولده، و [من] أخلفه فیهم بخیر، و بارک لهم فیما أعطیتهم و أیدهم بروح القدس، و احفظهم حیث توجهوا من الأرض، و اجعل الإمامة فیهم و اشکر من أطاعهم، و أهلك من عصاهم، إنک قریب مجیب. (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲۳، ۱۴۵). افزون بر این به نظر می‌رسد مجلسی روایت دیگری را نیز که به وصایت و خلافت علی علیه‌السلام اشاره دارد و شامل توصیفات برجسته‌ای از اوست، به عنوان روایت غدیر در نظر گرفته که در عین حال، عبارت مشهور «من كنت مولاه...» در آن نیامده است. او احادیث معارض غدیر را در ذیل این روایت ذکر کرده است: (نک: مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲۳، ص ۱۵۴ - ۱۵۳).

### ۲.۱. مرجحات سندی

مؤلف بحارالانوار در مواجهه با تعارض‌ها گاه با بررسی زنجیره اسناد و صفات و انگیزه‌های راویان، به ترجیح بعضی از اخبار متعارض بر برخی دیگر پرداخته است:

نمونه اول:

مجلسی در مواجهه با روایت مشهور «اصحابی کالنجوم با یهم اقتدیتم اهتدیتم» و در مقام نقد مفهومی آن، به روایات متعارضی اشاره کرده است که گویای انجام اعمال ناشایستی توسط گروهی از اصحاب پیامبر ﷺ است. مجلسی آنگاه با توجه به قوت و صحت سند روایات معارض، آنها را بر روایت «اصحابی کالنجوم» ترجیح داده است. (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲۳، ۱۶۸)

نمونه دوم:

مجلسی ذیل روایتی مبتنی بر بیخ خوردن حضرت رسول ﷺ می‌گوید: این خبر بر مدح «بَرَد» (تگرگ یا بیخ) دلالت دارد؛ حال آنکه اخبار قبلی بر ذم آن دلالت داشتند. سپس نظر به اینکه اخبار مبتنی بر ذم، از نظر سند قویترند و این خبر از طرق عامه نقل شده است، اخبار ذم «بَرَد» را ترجیح داده است. (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۶۳، ۴۵)

نمونه سوم:

مجلسی ذیل روایتی درباره شیوه نمازخواندن پیامبر ﷺ در هنگام بیماری<sup>۱</sup> می‌گوید: «هذا الخبر عامی و لا يعارض الاخبار المعتبرة»: (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۸۱، ۳۳۸) این خبر از طرق عامه است و با روایات معتبر مخالفت نمی‌کند. مجلسی ترجیح اخبار مخالف را به دو دلیل استفاده کرده است: عامی بودن اخبار معارض و شهرت و اعتبار روایات دسته اول که مخالفت خبر عامی اشکالی به آنها وارد نمی‌کند.

۱. محالس ابن السنیخ، عن ابيه عن محمد بن محمد بن مخلد بن عبد الواحد بن محمد عن يحيى بن ابي طالب عن ابي بكر الخنفي عن سفيان عن ابن الزبير عن جابر ان النبي ص عاد مريضاً قرأه يصلي على وسادة فأخذها فرمى بها فأخذ عوداً ليصلي عليه فأخذه فرمى به وقال على الارض إن استطعت وإلا فأومئ إيماءً و اجعل سجودك أخفض من ركوعك: پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیمار شد؛ او را دیدند در حالی که بر بالشی نماز می‌خواند بالش را برداشت و رها کرد؛ سپس عودی برداشت که بر آن نماز بخواند آن را نیز به دور انداخت. سپس فرمود اگر توانستی بر روی زمین نماز بگذار؛ در غیر این صورت به صورت اشاره برگزار کن و در هنگام سجده نسبت به رکوع سرت را پایین‌تر بیاور.

## ۲. تخییر

چنان که گفتیم از روش‌های حلّ تعارض مستقر، تخییر است و آن در صورتی است که متعارضین از هر جهت یکسان باشند و هیچ ترجیحی بر یکدیگر نداشته باشند. مجلسی گاه در حلّ تعارض مستقر بین روایات، به تخییر روی آورده است؛ هر چند موارد آن بسیار اندک‌اند:

### نمونه اول:

مؤلف بحار الأنوار پس از ذکر روایتی درباره کیفیت نماز شب می‌گوید: «هذه الرواية أيضا تدلّ على استحباب قراءة التوحيد ثلاثين مرّة في كلّ من الركعتين الأوليين من صلاة الليل، ولا ينافي استحباب قراءة الجحد والتوحيد بل هو مخير بينهما»: (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۸۴، ۲۳۱) که در ضمن آن هر چند استحباب ۳۰ بار خواندن سوره توحید در دو رکعت اول از نماز شب را می‌پذیرد، اما تعارض آن را با روایاتی که بر استحباب قرائت سوره «جحد» و «توحید» دلالت دارند، با قبول تخییر در عمل به هر کدام، از میان برمی‌دارد.

### نمونه دوم:

مجلسی در مواجهه با روایات متعارض درباره غذا خوردن در حال جنابت، «تخییر» را راهکار حلّ مشکل مفهومی حاصل از تعارض آنها با یکدیگر معرفی کرده است:

«الخامس كراهة الأكل على الجنابة و ظاهر الصدوق في الفقيه التحريم و يظهر من بعض الأخبار زوال الكراهة أو تخفيفها بغسل اليد و أن الوضوء أفضل و من بعضها بغسل اليد و المضمضة و غسل الوجه و من بعضها بغسل اليدين مع المضمضة و الجمع بالتخيير متجه»: (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۶۳، ۳۹۰)

مجلسی بر آن است که پنجمین مطلبی که از روایات به دست می‌آید کراهت غذا خوردن در حال جنابت است و صدوق در من لا یحضره الفقیه قائل به حرمت آن شده است و چنان که از بعضی اخبار به دست می‌آید کراهت آن با اعمالی چون شستن دست یا وضو، مضمضه و شستن صورت یا شستن دستها همراه با مضمضه زایل می‌گردد یا دست کم تخفیف می‌یابد و در هر صورت، وجه جمع آنها با یکدیگر از رهگذر قول به

«تخیر» حاصل می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۳. توقّف

چنانچه ادله متعارض از هر جهت یکسان باشند و ترجیحی بر یکدیگر نداشته باشند، توقّف از دیگر راه‌های مواجهه با آنهاست. در روایات نیز تأکید شده است که اگر اخبار بر شما مشتبه شد و نتوانستید به معانی آنها پی ببرید و تعارض و اختلاف آنها را توجیه کنید، توقّف بسیار بهتر از در افتادن به پرتگاه هلاکت است؛<sup>۲</sup> زیرا چه بسا ردّ روایت که ناشی از بدفهمی و عدم راهیابی به عمق کلام ائمه علیهم‌السلام است، به ردّ و انکار ولایت آنان بیانجامد. علامه محمد باقر مجلسی نیز که در نقد روایات دقت و احتیاط فراوانی از خود نشان داده، هر گاه در حلّ روایات متعارض راه به جایی نبرده، به «توقّف» توصیه کرده است؛ ضمن آنکه بعضاً از طرح احتمالاتی دیگر در حلّ تعارض و توجیه اخبار دریغ نورزیده است.

نمونه اول:

روایتی در بحارالأنوار درباره قضا شدن نماز صبح پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل و در ضمن آن بلال مأمور بیدار کردن آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اصحاب او شده است؛ اما او خود نیز خواب می‌ماند؛ تا آنکه نماز صبح همگی قضا می‌شود. این روایت، گذشته از تعارض با عصمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، با روایاتی نیز که خواب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علیه‌السلام را مانند بیداری می‌دانند، در تعارض است. به راستی آیا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که خوابش مانند بیداری است، چگونه نماز را به‌رغم اطلاع از دخول وقت آن ترک کرده است؟ و چرا بلال را به این کار مأمور کرده است؛ با آنکه به آن احتیاجی نداشته است؟ مجلسی در پاسخ به این شبهات و حلّ تعارض مورد نظر، می‌گوید: درباره این اخبار به‌رغم شهرت آنها در بین مخالفان مذهب می‌توان توقّف کرد (مجلسی ۱۴۰۳: ۱۷، ۲۰).

۱. برای آگاهی از نمونه‌های بیشتر نک: مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۸، ۴۹؛ ج ۷۸، ۱۱۷؛ ج ۸۲، ۱۸؛ ج ۸۴، ۲۱۸.

۲. عن ابن بابویه عن أبيه، عن سعد بن عبدالله، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد ابن أبي عمير، عن جميل بن دراج، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الوقوف عند الشبهة خير من الاقتحام في الهلكة، إن على كل حق حقيقة و على كل صواب نوراً فما وافق كتاب الله فخذوه، وما خالف كتاب الله فدعوه. (حر عاملي ۱۴۱۴: ج ۱۸، ۸۶).

نمونه دوم:

طبق بعضی از روایات، در یک زمان تنها یک امام معصوم وجود دارد و اجتماع دو امام در حال بر عهده داشتن مقام امامت، ممکن نیست؛ این اخبار با مضمون روایات رجعت مخالف‌اند. مجلسی در حلّ این تعارض پس از آنکه توجیهاات و احتمالاتی در جمع دلالتی بین آنها ارائه کرده، در نهایت «توقّف» را به مثابه راهکار حلّ تعارض آنها پیشنهاد کرده است. از نظر او توقّف و سکوت در هنگام عجز از پاسخگویی به شبهات و ملاحظه مسائل عجیب در روایات، راه حلّ مشکل است؛ تا مبادا تنها با مشاهده خبری معارض یا مسأله‌ای عجیب که عجز ما را در فهم موضوعی خاصّ به دنبال دارد به ردّ اخبار - که ممکن است عملاً به انکار بعضی از ضروریات دین بیانجامد - دچار شویم.<sup>۱</sup>

(مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲۵، ۱۰۹)

#### ۴. ردّ روایات

از نظر مجلسی انکار احادیث تا آنجا که با مسلمات دینی، علمی و عقلی ناسازگار نباشد یا به وجهی بتوان از آنها معنای قابل قبولی استنباط کرد، به هیچ روی روان نیست. در عین حال، او در بحارالانوار در موارد معدودی، به ردّ روایات پرداخته است. این امر، خود، نشان می‌دهد او تنها به دلیل انتساب سخنانی به معصوم، آنها را نپذیرفته؛ افزون بر آنکه در مرحله گزینش اخبار، بخش قابل توجهی از آنها را به علت مشکلات محتوایی یا سندی کنار گذاشته است، (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۱-۹ و ۳۱-۲۸) در ضمن توضیحات فقه‌الحدیثی خود نیز بعضی از روایات را قابل توجیه ندانسته و از این رواز پذیرش آنها تن زده است. او در این زمینه بسیار محتاط و با دقت عمل می‌کند و گاه بر برخی از محققان و دانشمندان پیشین که به راحتی به ردّ روایات پرداخته‌اند خرده گرفته است؛ مثلاً از سید مرتضی علم‌الهدی که روایتی درباره داستان ایوب پیامبر علیه السلام را با قاطعیت نفی کرده پس از گزارش کامل سخنان او، انتقاد کرده و از انکار شدید و قاطع وی اظهار تعجب کرده و معتقد است آن روایت را می‌توان به نحو مقبولی توضیح داد؛ حال آنکه روایت مورد نفی سید مرتضی، از روایات عامّه است که در مآخذ تفسیری

۱. برای آگاهی از نمونه‌های بیشتر نک. مجلسی ۱۴۰۳: ج ۶، ۳۳۲؛ ج ۱۷، ۱۲۱؛ ج ۱۸، ۲۷۲؛ ج ۵۶، ۲۶۵.

وارد شده است (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۱۲، ۳۵۵-۳۵۳).

به هر حال، سنجش تعارضات روایات با اصول کلامی شیعه، بررسی سندی آنها، توجه به انگیزه‌های راوی، نقد محتوایی و مطابقت با دیگر آیات، اخبار، واقعیت و تاریخ، ملاک‌های او در ردّ روایات است که در موارد بسیار محدودی، خواه نا خواه به آن تن داده است:

نمونه اول:

در بحار الأثوار در ضمن روایتی درباره وقایع قیامت آمده است: مرگ اهل آسمان‌ها از آسمان اول تا چهارم و سپس میکائیل، جبرائیل و اسرافیل، هر کدام، با یک نفخه صورت می‌گیرد. از نظر مجلسی این روایت با ظواهر آیات و اخبار دیگر که بر مرگ اهل همه آسمان‌ها با یک نفخه دلالت دارد، در تعارض است و معتقد است: جمع بین این اخبار صرفاً با تکلفات دور از ذهن ممکن است؛ اما این روایت از روی جهالت راوی آن یعنی، «نرسی» صادر شده و به هیچ روی نمی‌تواند موافق با آیات و اخبار دیگر تلقی شود و بر همین اساس، باید آن را ردّ و انکار کرد. (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۶، ۳۲۸-۳۲۷)

نمونه دوم:

مجلسی ذیل روایتی درباره فضایل علی علیه السلام، خبر «انّ الحقّ لینطق علی لسان عمر» را نقل کرده و نظر به مخالفت آن با واقعیت و تاریخ از قبول آن خودداری کرده است. سخن او آن است که:

«اگر این خبر صحیح باشد مستلزم عصمت عمر است که مستلزم حجّیت تمام اقوال اوست؛ حال آنکه هیچ کس درباره عمر چنین عقیده‌ای ندارد و چگونه حق بر زبان او جاری می‌شود؛ در حالی که او سخن خود را پیوسته تغییر می‌داد و به خطای خویش اعتراف می‌کرد و خود می‌گفت: «اگر علی نبود قطعاً عمر هلاک می‌شد.» (مجلسی ۱۴۰۳:

ج ۶، ۱۶۳)

به این معنا که مجلسی عملاً با استناد به عدم مطابقت با واقعیت و تاریخ، از پذیرش برخی از روایات اجتناب ورزیده است.

نمونه سوم:

در ضمن روایتی که در بحارالانوار به نقل از حبابه والیه آمده مطالب عجیبی مطرح شده است. این روایت درباره نشانه حقانیت ائمه علیهم السلام است و از آن به دست می‌آید که حبابه والیه زمان حیات امام علی علیه السلام تا زمان امام رضا علیه السلام را درک کرده است. مجلسی این نکته را دور از ذهن می‌داند و به مخالفت آن با واقعیت تاریخی اشاره می‌کند و هر چند به ردّ خبر تصریح نمی‌کند، اما از فحوای قضاوت و اظهار نظر او درباره آن چنین به نظر می‌رسد که آن را نپذیرفته است. او می‌گوید:

آن گونه که خبر حاکی از آن است، عمر حبابه والیه، بر طبق تاریخ وفات ائمه علیهم السلام و مدت عمر آنان باید ۲۳۵ سال یا بیشتر باشد؛ اگر وی بر طبق آنچه در متن خبر آمده است، در اوائل امامت امام سجاد علیه السلام یا حتی در اواخر عمر آن حضرت خدمت ایشان رسیده باشد و در آغاز امامت امام رضا علیه السلام نیز به حضور ایشان شرفیاب شده باشد، عمرش بیشتر از ۲۰۰ سال می‌شود (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲۵، ۱۷۸).<sup>۱</sup>

### نتیجه

۱. بر خلاف تصور گروهی از محققان، مجلسی در بحارالانوار، عملاً به سادگی، تن به قبول هر حدیثی نداده و استخاذ روشهایی توسط او در حلّ تعارض مستقر، گواهی‌روشن بر این مدعاست. او در همین مسیر، گاه تعارض روایات را مطرح کرده؛ اما روایت معارض را دقیقاً مشخص نکرده است. و در پاره‌ای موارد دیگر، هر چند روایت معارض را به اجمال مشخص کرده؛ اما ارجاعات روشن و کاملاً مشخصی ندارد؛ پدیده‌ای که هر چند نشانه تسلط او بر مجموعه روایات منقول از معصومان علیهم السلام است؛ اما گاه ابهام و سردرگمی مراجعان غیر متخصص در بازبایی روایات مورد نظر را در پی دارد.

۲. مجلسی به رغم پیشنهاد توقف، تخییر، ترجیح و حتی ردّ روایت در مواجهه با تعارض‌های مستقر روایی، بر خلاف اکثر علمای حدیث که رابطه میان تعارض مستقر و تعارض بدوی را تباین دانسته‌اند، همزمان، احتمالات متعددی در جمع و توجیه اختلاف اخبار مطرح است که نشانه احتیاط فراوان او در مواجهه با تعارض روایات است و در عین حال این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که او تقسیم‌بندی مشخص و از

۱. برای آگاهی از نمونه دیگر از این قبیل نک: همان، ج ۲۷، ۲۰۸.

پیش تعیین شده‌ای در برخورد با روایات متعارض و مصادیق عینی تعارضات روایی نداشته است.

۳. مجلسی با آنکه کوششی بلیغ از خود در توجیه تعارض روایات نشان داده، در صورت یافتن دلایل و قراین موجهی برای عدم پذیرش روایات، در موارد نادری، آنها را رد کرده است. ملاکهای او در رد روایات، مخالفت روایت با اصول مسلم کلامی، آیات و روایات معتبر و سیاق کلام اتمه لَا است. توجه به ویژگیهای سند روایات و عامی بودن طریق روایت نیز از دیگر دلایل و قرائن مورد قبول او در رد روایات است.

۴. مجلسی در مواجهه با تعارضات مستقر روایی در بحار الأنوار، به نظریات قدما توجه دارد و دیدگاه‌های آنان را یکی از قرائن صحت خبر می‌داند و در صورت تعارض روایات با اصول کلامی مورد قبول خود - حتی در صورت مشهور بودن آنها - «توقف» را صحیح‌ترین راهکار مواجهه با آنها بر می‌شمارد.

### منابع و مأخذ

- ابن شهید ثانی، حسن بن زین‌الدین (۱۳۷۴)، معالم الأصول، تصحیح: علی محمدی، قم، دارالفکر.
- اربلی، ابن ابی الفتح [بی‌تا]، کشف الغمة، بیروت، دار الأضواء.
- استرآبادی، محمد امین (۱۴۲۶)، الفوائد المدنیة، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۹)، فراند الأصول، مجمع الفكر الإسلامی.
- حر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴)، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، الطبعة الثانية.
- حکیم، محسن (۱۴۰۸)، حقائق الأصول، الغدیر، قم، مکتبه بصیرتی، الطبعة الخامسة.
- حیدری، علی نقی (۱۳۶۴)، اصول الفقه، قم، دار الکتب الاسلامیه.
- خزاز القمی، علی بن محمد (۱۴۰۱)، کفایة الأثر، تحقیق: عبد اللطیف الحسینی الکوهکمری الخونی، قم، انتشارات بیدار.
- زنجانی، احمد (۱۳۶۶) الکلام یجر الکلام، قم، چاپخانه حکمت.
- شهید ثانی (۱۴۰۸)، الرعیة فی علم الدرایة، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی، الطبعة الثانية.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۳)، الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار، تحقیق و تعلیق: سید حسن موسوی خرسان، طهران، دار الکتب الإسلامیة، الطبعة الرابعة.
- — [بی‌تا]: اختیار معرفة الرجال، تصحیح و تعلیق: میر داماد الأسترآبادی، تحقیق:



- مهدي الرجائي، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- عابدي، احمد، نقد بحار الأنوار در دايرة المعارف تشيع، محله آيينه پژوهش، شماره ۲۵ (شماره اول سال پنجم)، خرداد و تير ۱۳۷۳.
- كاظمي خراساني (آخوند خراساني)، محمد علي (۱۴۰۹)، فوائد الأصول، تعليق: شيخ آغا ضياء الدين عراقي و آيت الله اراكي، قم، مؤسسة نشر اسلامي.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۹)، كفاية الأصول، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث
- كليني، محمد بن يعقوب (۱۳۶۳)، الكافي، تصحيح و تعليق: علي أكبر غفاري، طهران، دار الكتب الإسلامية، الطبعة الخامسة.
- مجلسي، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تصحيح: محمد باقر بهبودي، بيروت، دار إحياء التراث العربي، الطبعة الثالثة.
- مدير شانه چي، كاظم (۱۳۷۲ الف)، درايه الحديث، دفتر انتشارات اسلامي، قم، چاپ پنجم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲ ب)، علم الحديث، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ پنجم
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۳)، اصول الفقه، قم، موسسه اسماعيليان، چاپ ششم
- معماری، داوود (۱۳۸۴)، مباني و روشنهاي نقد متن از ديدگاه انديشوران شيعه، موسسه قم، بوستان كتاب قم.
- مهدي سيد مصلح الدين (۱۳۷۸)، زندگي نامه علامه مجلسي، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي
- مهريزي، مهدي و رباني، هادي (۱۳۷۸)، شناخت نامه علامه مجلسي، (مجموعه مقالات، گفتگوها و سخنرانيها)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
- (۱۳۷۹)، يادنامه علامه مجلسي، (مجموعه مقالات، گفتگوها و سخنرانيها)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي
- نعماني، محمد بن ابراهيم (۱۴۲۲)، قم، كتاب القيبة.
- نوري، ميرزا حسين (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بيروت، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم.
- هاشمي، رضا (۱۳۷۵)، «تعارض ادله»، دانشنامه جهان اسلام، زير نظر غلامعلي حداد عادل، جلد هفتم (ص ۴۸۳ - ۴۷۹)، تهران، بنياد دايرة المعارف اسلامي.
۲۵. هاشمي، محمود (۱۴۱۷)، بحوث في علم الأصول (تقريرات محمد باقر الصدر)، مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، الطبعة الخامسة.